

ادامه از صفحه ۴

### دموکرات‌ها و سیاست رویارویی با ایران

اگر تفاوتی هست، در شدت خشونت جمهوری خواهان و نرشم نسبی دموکرات‌ها است. بیسل کلینتون مانند جو بایدن یک دموکرات و نرم‌خو بود. تفاوت این دو با ترامپ تنها در نحوه رفتار و شدت برخورد آنها است. دموکرات‌ها رفتاری نرم‌تر و مؤدبانه‌تر از جمهوری‌خواهان دارند. ترامپ دیکتاتوری لجباز و یک‌دنده و تندخو بود. آنچه در بالا گفته شد تئوری مروری بر رویادهای اخیر در روابط میان ایران و آمریکا است. برای فهم بهتر سیاست‌های غرب نسبت به ایران باید به چند نکته مهم دیگر نیز اشاره شود. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود پل ارتباط شرق و غرب بوده و هست. جاده ابریشم دوباره در حال احیاشان است. همان‌طوری که رویادهای اخیر در انتخابات آمریکا قابل پیش‌بینی نبود، کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد که چین کمونیست‌ک‌ه بخش‌هایی از آن تا جنگ جهانی دوم مستعمره انگلیس و ژاپن بود و در قف مطلق به سر می‌پُرد، بتواند به صورت یک ابرقدرت غول‌آسا به خیزد و در برابر ایالات متحده آمریکا قرار بگیرد. چه کسی پیش‌بینی می‌کرد که یک کشور کمونیستی برای پیشرفت اقتصادی خود از همه ابزارهای سرمایه‌داری استفاده کند؟ امروز چین در خلیج فارس حضور فعال یافته‌است. روسیه کنونی هم به آرزوی تازرها برای دسترسی به اقیانوس هند رسیده است. از سوی دیگر وابستگی پیشین قدرت‌های صنعتی غرب به یکدیگر با تضعیف ناتو توسط ترامپ و خروج انگلیس از اتحادیه اروپا یکپارچگی گذشته را از دست داده است. نکته دیگری که باز هم قابل پیش‌بینی نبود سفر رهبر کاتولیک‌های جهان به عراق و ملاقات با آیت‌الله سیستانی بود. آن هم چند روز پس از اینکه پاپ اعظم وجود جهنم را انکار کرده بود. واتیکان روزی بر جهان مسیحی تسلط کامل داشت و شرق و غرب را در پنگال خود گرفته بود. اما پافشاری به سیاست «تفتیش عقاید» و قیام مردم موجب افول قدرت واتیکان شد به‌گونه‌ای که حوزه اقتدار آنها به محله واتیکان، که بخش کوچکی از شهر رم است، محدود شده است. امروز بیشتر کسانی که برای دین سخنانی پاپ اعظم به میدان آورده‌اند، توریست‌ها هستند نه پیروان کاتولیک. ایران باید این نکتات را زیر ذره‌بین بگیرد و از آنها بهره ببرد. در این شرایط، موضع آمریکای بایدن نسبت به ایران که در مرکز ارتباطات شرق و غرب قرار دارد، به‌ناچار متفاوت از گذشته خواهد بود. میزان درو نزدیک شدن ایران و آمریکا بستگی به رفتار طرفین دارد.

داود چشمتمتی؛ دیدارهای رسمی و سفرهای مقامات دولتی، عموماً از تریبون‌های رسمی و با روایت‌های رسمی به گوش مردم می‌رسد، نه از زاویه‌ای غیررسمی. من دعوت شده بودم تا همراه معاون اول رئیس‌جمهور به استان گلستان سفرکنم و این متن روایت من از این سفر است؛ روایتی که رنگ و بوی رسمی ندارد. همراهی با هیئت معاون اول که در آن تنها دو خبرنگار سایت رسمی معاون اول همراهشان بود و این را که کسی دیگر از رسانه‌ها در آن حضور نداشت، از این جنبه مهم دیدم؛ برای آنکه یک سفر رسمی را از زاویه نگاه مردم عادی روایت کنم. صبح به موقع به فرودگاه رسیدم و منتظر حضور بقیه ماندیم تا به‌همراه اسحاق جهانگیری، وزیر کار، وزیر راه‌وشهرسازی و رؤسای کمیته امداد و مسکن و شهرسازی به استان گلستان سفر کنیم. این‌طور مواقع پرواز سرر موقع انجام می‌شود و تأخیر نخواهد داشت. وقتی از بالای سر تهران عبور می‌کردیم آنچه بیش از همه به چشم آمد، پارکینگ‌های ایران‌خودرو بود که با ماشین‌ها پر شده بود و البته بهشت زهرا. انکار هرکسی از بالای بهشت زهرا عبور می‌کند، در پایین به دنبال قبر و قطعه‌ای از عزیزش می‌گردد که زیر خاک دفن شده است. وقتی دیدم غیر از من کسان دیگری هم چشمشان به آن پایین است، از خودم خجالت نکشیدم. دغدغه محافظان این سفر در ابتدا، لیست برنامه‌های دیدار بود. وقتی لیست را دیدند، اولین واکنش آنها فشرده‌گی برنامه‌ها بود. از اینکه باید به سرعت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر حرکت کنید از رسیدن معاون اول و همراهان به آنجا برسرند، نگران بودند. از هواپیمای که پیاده شدیم، صغی از افراد مختلف انتظار ورود هیئت همراه معاون اول و وزرا را می‌کشیدند. گیج و سرگردان میان فضای خالی هواپیما و صف میزبانان روی باند فرودگاه، به دنبال گوشه‌ای بودم که از تیررس دید خارج شوم. مراسم با خوشامدگویی استاندارد آغاز و با مصاحبه کوتاه معاون اول که کاملاً حرف‌های کلیشه‌ای داشت، پایان یافت. با پادن مصاحبه جهانگیری رالی سرعت از همین‌جا آغاز شد. باید طرف چهار ساعت از چهار نقطه مختلف با کیلومترها فاصله از همدیگر بازدید کرده و به گرگان بازمی‌گشتیم. صف اتومبیل‌ها که راه افتاد، متعجب شدم. در نیمه دوم هواپیما تعداد زیادی از محافظان حضور داشتند، اما نه در این حد. هیئت همراه هم که در دو خودروی سواروی جا شده بودند. بعدها متوجه شدم که در مسیر هم افرادی از محافظان اضافه می‌شوند. گروه‌هایی که از قبل به آن محل‌ها رفته و منتظر بودند هم به کاروان خودرها اضافه می‌شدند. به اینها اضافه کنید مسئولان پرتعداد محلی را. آن‌طور که توضیح دادند حجم بالای حضور محافظان مصوبه‌ای دارد که شورای امنیت کشور آن را صادر کرده و مسئولان ناگزیر از رعایت آن هستند. اما برای من این حجم از حفاظت برای مسئولی که در کشوری دیگر حضور پیدا می‌کند قابل تعجب است، اما نه در کشور خودشان. شاید بهتر باشد سیستم حراستی هم با نگاهی به دستاوردهای نوین کنترلرهای نامحسوس و روش‌های نو دستخوش تحول شود. این شیوه چندان زیننده نظامی نیست که مهم‌ترین تکیه‌گاهش مردم هستند. در بین راه از مزارعی عبور کردیم که زه‌کش‌ی‌های آنها انجام شده بود و اتفاقاً صف تراکتور برای استقبال از این اقدام دولت به خوشامدگویی آمده بودند. کاروان خودروها از میان مزارع و تراکتورهای کشاورزان عبور کرده تا خود را به اولین روستا که عطاآباد نام دارد، برساند. در مسیر هر کجا را نگاه می‌کردیم و هر جا که می‌برسیدم، می‌گفتند؛ اینجا را هم آب گرفته بود. تصور من این

## اقتصاد . سیاست

گزارش غیررسمی از سفر استانی معاون اول رئیس‌جمهور

# برخورد نزدیک با گلستان از سیل بازگشته



است که آن منطقه ظاهراً مانند دریاچه‌ای شده بود وسیع بود، اما کم‌عمق. در عطاآباد استقبالی محلی برقرار بود. مردم با لباس‌های محلی حضور داشتند و تعدادی از جوانان برونمد سوار بر اسب‌های ترکمن خودشان را و پاره‌ای از تاریخ تمدن این سرزمین را به رخ می‌کشیدند. در عطاآباد نمایشگاهی برقرار بود از دستاوردهای منطقه در ارتباط با بازسازی سیل. به‌راحتی قابل تشخیص بود که هیچ اثری از سیل دو سال قبل نمی‌دیدیم. حجم وسیعی از کار در استان صورت گرفته بود تا در این دو سال آثار خرابی‌ها از بین برود. آن هم در شرایطی که بسیاری آن روزها آمدند، تا کمر درون آب رفتند. عکس یادگاری گرفتند و رفتند. رفتند و کسی تا همین امروز نرسید، چرا با یک انفجار آب را از جایی به جای دیگری منتقل کردید؟

**روستایی که بی‌کار نداشت**

عطاآباد اولین روستایی بود که بازدید شد. ای کاش رسانه ملی هم (نه با عوامل منطقه‌ای) بلکه با عوامل ملی خودش در آنجا حاضر بود. روستایی که افتخارش این است: «در این روستا هیچ فرد بی‌کاری نیست». آرامش مردم هم این را می‌رساند. مردم خیلی راحت حرف مسئولان برگزارکننده را گوش می‌کردند و کنار می‌ایستادند تا تک‌تک غرفه‌ها بازدید شود. روستایی با پنج هزار نفر جمعیت که به گفته رئیس شورای شهرش، از دیگر مناطق هم‌جوار برای کار به این روستا می‌آیند. می‌پرسد: شغلشان چیست؟ می‌گویم: آن چیزهایی که در استان گلستان زیاد است خوب و پارچه است و آنها میل تولید می‌کنند و به ۲۱ استان کشور محصولاتشان را ارسال می‌کنند. خودشان عطاآباد را «پایتخت میل ایران» می‌نامند. به نظرم در این سفر آنچه بیش از همه توجه اسحاق جهانگیری را به خودش جلب کرد، همین کارآفرینی اهالی عطاآباد بود. تا انتهای سفر در س‌جا به این روستا اشاره کرد. رئیس شورای عطاآباد درخواست‌های مالی نداشت. بازار دادن نامه‌ها به مسئولان داغ نبود. اتفاقاً نشان می‌داد چندر اهالی بالقی دارند. میل‌ها را در حیاط خانه‌هایشان تولید می‌کنند. از همین‌رو کم بود برق و البته احتمالات آتش‌سوزی بیشترین نگرانی آنهاست. برای همین هم درخواستشان با نگاهی بلندمدت آماده شده بود. آنها خواستار ایجاد یک شهرک صنعتی در نزدیک روستا بودند که بتوانند تولید را بالا ببرند. اسحاق جهانگیری در صحبت‌هایش در این روستا، به «سرزندگی و نشاطی» که در «جای‌جای روستاهای ایران» به چشم می‌خورد، اشاره کرد. از سفرهایش و بازدیدهایش از روستاهای استان سیستان و آهواز و کرمانشاه

و کردستان گفت که در آن نشاط دیده می‌شود. تصور و برداشت ما که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنیم این است که کل کشور دقیقاً همان است که در شهرهای بزرگ شاهد هستیم. فضایی آکنده از یاس و ناامیدی و گرانی و فشار. ترافیک و محدودیت‌های کرونایی که ماه‌هاست ادامه دارد. زندگی ما احاطه شده با همه این تارکی‌ها و محدودیت‌ها، اما آرامش و نشاط در روستاها بیشتر است. مقصد بعدی روستای پنج پیکر بود که در فاصله ۳۵ کیلومتری قرار داشت. در راه باز هم به ه‌رجا که اشاره می‌کردم، همراهانی که قبلاً با معاون اول به این استان سفر کرده بودند، می‌گفتند: اینجا را هم آب گرفته بود. همان مسیری که آب را از جایی به جای دیگر فرستاده بودند.

**روستای پارچه‌بافی**

اینجا دیگر خبرنگارهای محلی هم همراهی مان نکردند. انکار برایشان زیاد مهم نبود. یا رفته بودند به جای دیگری برسرند یا از قافله جا مانده بودند. اتفاقاً آنجا جایی است که باید به مردم در تمام ایران نشان داده شود. تحویل خانه‌ای با دو اتاق برای روستاییانی که عموماً از مددجویان کمیته امداد هستند، همه را خوشحال می‌کند. این روستا پر از مغازه بود. روستایی که به قطب پارچه‌بافی منطقه تبدیل شده است. اینجا هم شگفت‌زده شدم. از اینکه درخواست‌های مردم رسیدگی و دریافت کمک‌های مردمی نبود. رئیس شورای روستا درخواستش جمع‌آوری مکانیزه زباله و مهم‌تر از آن کتابخانه بود. کفش را بکشید، معاون اول دولت به روستاییی رفته و آنها به جای پول و امکانات، کتابخانه می‌خواهند. قرار بود دولت در این منطقه سه هزار خانه ساخته و به مردم تحویل دهد. در این سفر ده‌هزارو پانصدمین خانه تحویل شد و تا پایان دولت ۵۰۰ خانه باقی‌مانده نیز تحویل داده می‌شود. نیمی از این خانه‌ها برای مددجویان کمیته امداد بود. در کنار این خانه‌ها دولت دو میلیون خانه را بازسازی کرده یا از نوساخته است که به آنها و ۳۰ میلیونی بلاعوض داده شده بود، نه پاکت‌های پول و وام‌های یک میلیونی. جهانگیری وقتی برای افتتاح این خانه مقابل آن ایستاد و کلید را از رئیس شورا و رئیس کمیته امداد گرفت تا تحویل صاحبش دهد، از او خواستند چند کلامی برای مردم حرف بزنند. وقتی دو پله بالا رفت و روی بالکن خانه ایستاد از دیدن تعداد جمعیتی که در این روستای کوچک ساخته شده بودند تعجب کرد. کمی برایشان از کارهایی که دولت در زمینه ساخت خانه محرومان منطقه کرده گزارش داد و رفت. مقصد بعدی افتتاح کارخانه «تولید الیاف طبیعی گلستانت» بود. برای من جالب بود با وجود آنکه اسحاق جهانگیری از جنس صنعت است، اما زمانی که برای بازدید از دو طرح روستایی و دیدار با مردم آن صرف کرد، چند برابر بازدید از کارخانه جدید بود. خصوصاً در روستای عطاآباد وقتی اشتیاق مردم را برای تولید دید، توضیح داد که در جلساتی که برای بررسی آسیب‌های اجتماعی در حضور رهبری تشکیل شده بود، به رهبری گفته بود که کارخانجات و صنایع بزرگ توانایی و ارتباطات لازم برای دریافت وام از صندوق توسعه ملی را دارند، اما اگر بکنویم میلیارد دلار از صندوق توسعه را به روستاها و اشتغال آنها اختصاص دهیم، کمک بزرگی به حل مشکلات حاشیه‌نشینی هم خواهد شد. با موافقت رهبری این رقم اختصاص داده شد و تاکنون ۱۵ هزار میلیارد تومان از این منبع به مردم روستاها داده شده و هنوز هفت هزار میلیارد تومان در صندوق هست و در سترس روستاییانی است که می‌خواهند کار و شغلی ایجاد کنند.

گفت‌وگو با سامان بیرقی، بنیان‌گذار پلتفرم اوام بی فینکس

# چطور می‌توان ریسک معاملات در بازار نوظهور رمزارزها را کاهش داد؟

برنامه‌نویسی و بسترسازی سیستمی است که در آن برای اولین بار در ایران آکادمی آموزش و پرورش رمزارزها را برای علاقه‌مندان و جوانان علاقه‌مند به این حوزه به صورت عملیاتی به بهره‌برداری می‌رساند و این گروه آموزش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مدونی در راستای اعتلای سطح دانش کاربران در نظر گرفته و اجرا خواهد کرد.

**۷- بررسی موانع و مشکلات بازار تبادل‌ات رمزارز**

بازار تبادل رمزارزها به واسطه تازه‌بودن در کشور ما و نبود آگاهی کافی کاربران نیاز مبرمی به آموزش بدون هزینه و کاهش ریسک معاملات از طریق معاملات آزمایشی دارد؛ ولی در کشور ما متأسفانه هنوز سطح آموزش در حد تئوری و خلاصه در چندین کپیچ ویدئویی مختلف درحال‌حاضر ارائه می‌شود و خدمت‌رسانی به حد مطلوبی نرسیده است. نکته حائز اهمیت این است که بازارهای معاملاتی موجود در دنیا این قابلیت را دارند که از بازار معاملات دمو برای کاهش ریسک کاربران و ارتقای کیفیت معاملات و افزایش یویایی بازار استفاده کنند. ما برای اولین بار در ایران پلتفرم بازار معاملاتی ارزهای دیجیتال با قابلیت بازار معاملاتی دمو برای رسیدن به سطح بهتری از کیفیت و شفافیت بازار و خدمات‌رسانی به صورت کاملاً رایگان و بدون هزینه برای کاربران را اجرا کرده‌ایم و با زیرساخت آموزش آکادمیک که به صورت یک مشخصه بارز اضافه شد، قابل استفاده برای عموم است.

همچنین در صرافی‌های فعلی ایران با وجود داشتن بسترهای قوی، پشتیبانی و پاسخ‌گویی به کاربران و متقاضیان در کشورمان از استانداردهای جهانی فاصله بسیاری دارد. ما برای اولین بار در کشور عزیزمان با ارائه پشتیبانی فنی آنلاین در ۲۴ ساعت شبانه‌روز در تمام روزهای هفته حتی روزهای تعطیل سعی کرده‌ایم این موضوع را پوشش دهیم.

**۸- بررسی روش‌های احراز هویت در اکسچنج‌های برتر جهانی**

عموما در صرافی‌های برتر دنیا برای احراز هویت از اطلاعات و تصویر پاسپورت کاربر و همچنین ویدئوی سلفی برای تأیید هویت افراد استفاده می‌شود.

**۹- بررسی روش‌های احراز هویت و مراحل آن در اکسچنج‌های ایرانی**

ما در ایران از کاربر در ابتدا از ثبت احوال استعلام گرفته و در مرحله بعد شماره موبایل و کد ملی و شماره شب‌ا را تطبیق داده و در صورت همخوانی ثبت‌نام ادامه می‌یابد. در صورت تأیید صحت مراحل قبل سپس از کاربر عکس یا ویدئوی سلفی گرفته شده و در نهایت در آخرین مرحله با کاربر تماس مستقیم گرفته می‌شود و تأییدیه احراز هویت و آگاه‌سازی او انجام می‌شود.



**۶- بررسی امکانات مورد نیاز مشتریان در تبادل‌ات رمزارز کشور**
یکی از قسمت‌های مهم برای کاربران بحث امنیت دارایی مشتریان است که گروه او ام بی فینکس در این زمینه از امکاناتی به‌روز با استفاده از کیف‌های سرد، دارایی مشتریان را حفظ می‌کند. پشتیبانی نیز یکی از بخش‌های مهم و حیاتی هر سیستم است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود.

متعاقباً با توجه به نیازهای مشتریان در ابتدا از ثبت احوال استعلام گرفته و در مرحله بعد شماره موبایل و کد ملی و شماره شب‌ا را تطبیق داده و در صورت همخوانی ثبت‌نام ادامه می‌یابد. در صورت تأیید صحت مراحل قبل سپس از کاربر عکس یا ویدئوی سلفی گرفته شده و در نهایت در آخرین مرحله با کاربر تماس مستقیم گرفته می‌شود و تأییدیه احراز هویت و آگاه‌سازی او انجام می‌شود.

در روز بوده است. این حجم تراکتش مالی مؤید آن است که رمزارزها روزه‌به‌روز گسترش و نفوذ بیشتری در زندگی و مبادلات افراد حقیقی و حقوقی و مبادلات ارزی میان کشورها پیدا می‌کنند و ما نیز می‌توانیم از این فرصت برای همگام‌شدن با ساختار مالی و اقتصادی جدید دنیا که بسیاری از محدودیت‌های حکومت‌های متخاصم را از بین می‌برد، بهره ببریم.

**۵- بررسی گردش مالی و حجم سرمایه‌گذاری در تبادل رمزارز کشور**

حجم گردش مالی رمزارزها در کشور شفاف نیست؛ اما بالغ بر روزی ۵۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود. هدف ما در این زمینه شفاف‌سازی هرچه بیشتر معاملات و تراکتش‌های افراد در سیستم رمزارزهاست.

در واقع خریدار و فروشنده را به هم متصل می‌کنند و در بستری مبتنی بر شبکه بلاکچین ضامن امنیت دارایی و کیفیت معاملات هستند. در بازارهای معاملاتی، افراد هستند که قیمت را تعیین می‌کنند و این موضوع باعث متصفانه‌ترشدن قیمت نسبت به فروشگاه‌ها می‌شود. در دنیا تقریباً سیستم صرافی‌های فروشگاه‌های کم‌رنگ شده و اکثر صرافی‌های معتبر به بازار معاملات تبدیل شده‌اند.

**۴- بررسی گردش مالی و حجم سرمایه‌گذاری در تبادل رمزارز جهان**

رکورد بیشترین حجم تبادلات تاریخ بازار رمزارز در جهان مربوط به نوامبر ۲۰۲۰ برابر با حجم سه‌هزارو ۵۰۰ میلیارد دلار بوده که در روزهای اخیر این رقم چیزی حدود صد میلیارد دلار